

زنان و رادیو

توجه به مقوله توانمندسازی زنان و بحث از رسانه، دو یا سه دهه است که ذهن متخصصان ارتباطی را اشغال کرده است. رسانه به عنوان وسیله‌ای برای ابراز حضور در عرصه‌های مختلف، مورد استفاده فراوان بوده است. کاب حاضر نیز به مقوله زنان و رادیو، می‌پردازد.

در این کتاب، توجه ویژه به برنامه‌های رادیویی زنان است. در **پیشگفتار** کتاب آمده است: اگرچه حضور زنان در تاریخچه‌های رسمی رادیوم مبهم و تاریک ترسیم شده است، اما آنها در همان روزهای اولیه پخش رادیوی ملی و شکل‌گیری BBC- فعالیت‌های خلاقانه تهیه‌کنندگانی چون هیلدا مانسون و اولیو شاپلی، تا میان برنامه‌های صبحگاهی زوبال و سارا کوکس- در قلب رادیو حضور داشتند.

کتاب حاضر، تفاوت‌های رادیویی و نابرابری‌های اعمال شده بر زنان دست‌اندرکار در این صنعت را آشکار و مورد بررسی قرار می‌دهد و زمینه‌ای را برای همکاری‌های بسیاری که زنان به عنوان تهیه‌کنندگان، مدیران، سردبیران، مجریان و مشتریان رادیویی انجام داده‌اند، فراهم می‌کند. درک صحیحی از نگاه فمینیستی به رسانه ارائه داده، تجربه رادیویی خانم خانه‌دار، ارتباط بین زنان و موسیقی، صحبت و گفت‌وگوی DJ، دستور کار خبر و غیره را بازگو می‌کند.

نویسنده در این کتاب، برنامه‌های مختلف- از برنامه‌های رادیوهای اصلی مثل ساعت‌زن گرفته تا رادیوها حاشیه‌ای جایگزین، مثل رادیو آزاد زنان، رادیو محلی آسیایی‌ها و ایستگاه‌های اجتماعی زنان- را بررسی می‌کند.

این اثر همچنین، فعالیت‌های کلاسیک در رادیو را با تحقیقات، ژورنالیسم و بیوگرافی‌های که به صورت مدرن انجام شده‌اند، در کنار هم قرار می‌دهد. علاوه بر آن، راهنمایی‌ها، توصیه‌ها و اطلاعات مفید را برای زنانی ارائه می‌دهد که مایلند در این صنعت کار کنند.

در مقدمه‌ای که آن کاریف بر این کتاب نگاشته، آمده است: «با گذشت تحولات فرهنگی در صحنه تاریخ، نمی‌توان آنچه را که بر مقوله زن و رادیو گذشته است، از یاد برد. طی سه دهه گذشته ما از دورانی گذر کردیم که در آن مدیر اجرایی از پذیرش پخش صدای زنان از رادیو، عصبانی می‌شد.

با وجود این، تحول فرهنگی مذکور نیز به کلی در تحقیقات دانشگاهی و علمی از نظرها پنهان ماند. تا آنجا که من اطلاع دارم، این مجموعه اولین کتابی است که به موضوع زن و رادیو اختصاص دارد. در دوره‌ای که بررسی‌های موجود در زمینه رسانه در حال فوران است و تقریباً هر جنبه‌ای از ارتباطات جمعی مورد تحقیق و بررسی قرار می‌گیرد، اما این مقوله مهم حقیقتاً هنوز ناشناخته باقی مانده است.

بخشی از این تقصیر را می‌توان متوجه رادیو کرد؛ چون رادیو یک رسانه ناپیداست و همان‌گونه که در مطبوعات و نزد عامه، تلویزیون جذاب‌تر و فریبنده‌تر از رادیو محسوب می‌شود، این طرز تفکر در



■ عنوان: زنان و رادیو

■ نویسنده: کارولین میشل

■ مترجم: شایسته اسماعیلی پور

■ تهران؛ شهریور ۱۳۸۶

■ ناشر: طرح آینده، ۴۴۱ صفحه

■ امیر منصوری

تحقیقات علمی نیز خود را نمایان می‌سازد، لیکن این موضوع به تازگی به طور جدی مورد بحث و جدل قرار گرفته است.

بدیهی به نظر می‌رسد که گاهی رادیو با حضور خود در همه جا در یک زمان محققان را به مبارزه می‌طلبد و گاهی به نظر، بیشتر شبیه یک وسیله کاربردی است تا جلوه‌ای از هنر یا ابزار ارتباطی. تلاش برای به فرضیه درآوردن چنان رسانه روزمره و غیرقابل اجتنابی، مانند این است که بخواهیم امواج را محبوس کنیم. علاوه بر آن، طبیعت خصوصی و عمومی آن باعث می‌شود تا به سختی بتوان زبان و مقوله مناسب برای تفکر در مورد آن را پیدا کرد.

با این حال دلایل متعددی که باعث طفره رفتن از موضوع رادیو می‌شود، خود پدیدآورنده موضوعی غنی و پرتنوع برای تحقیق است. پیش از این علاقمندان به این موضوع، برای مطالعه در این زمینه باید زندگینامه زنان پیشرو رادیویی را مورد کاوش قرار می‌دادند، یا از متون مربوط به تلویزیون این موضوعات را استخراج می‌نمودند و همان‌گونه که رادیو در بررسی‌های رسانه‌ای در ردیف آخر قرار می‌گیرد، زنان نیز در زمینه رادیو از نظر اهمیت در ردیف آخر قرار می‌گیرند.

وی در جای دیگر اشاره می‌کند:

« از آنجا که رادیو بیشتر یک رسانه زبانه قلمداد می‌شود، میشل دریافت که در کل، زنان به نسبتی کمتر از مردان به رادیو تجاری و همچنین رادیوهای ۱ و ۲ گوش می‌دهند و در رادیو ۵ این اختلاف بیشتر دیده می‌شود.

با این اوصاف، بررسی و تحقیق در مورد موضوع زنان و بخش رادیویی موضوع بسیار جالبی است. رادیو در روزهای اولیه پیدایش خود به طور گسترده به عنوان ابزاری بود که زنان را در نقش‌های سنتی خود تثبیت می‌کرد، لیکن هم‌اکنون این رسانه نقش پیچیده‌تری را در زندگی زنان بازی می‌کند. از آنجا که موسیقی به گونه‌ای نشانه‌ای از هویت شخصی است و رادیو منبع اصلی موسیقی شناخته می‌شود، بنابراین این رسانه به عنوان ارتباطی بین کالاها و خدمات است که ما از طریق آن هویت خویش را می‌سازیم. شنوندگان از رادیو برای تمایز بین خود و همسر و یا والدین استفاده می‌کنند. موسیقی رادیویی به عنوان پلی بین افراد و فرهنگ آنان، نمونه برجسته‌ای از وابستگی است.

موضوع زنان و رادیو در نخستین گام‌های رشد و شکوفایی خود قرار دارد. ما باید در این زمینه عمیقاً بیندیشیم؛ برای مثال در مورد اینکه چگونه سن در استفاده از رادیو تأثیرگذار است، چه میزانی از زنان مسن، دختران نوجوان و دختر بچه‌ها از این رسانه استفاده می‌کنند و یا ارتباط زنان اقلیت‌های مذهبی با رادیوی ملی چگونه است. ما شروع به ایجاد ابزارهای حساس برای تجزیه و تحلیل و شناخت این موضوع نموده‌ایم که ایستگاه‌های رادیویی و برنامه‌های متفاوت، چگونه زنان را لحاظ می‌نمایند.

این کتاب تلاش خالصانه در این راه را آشکار می‌سازد. علاوه

بر اشتغال زنان در رادیو، زنان به شکل مخاطب رادیویی هم دیده می‌شوند که این امر نشان‌دهنده همراهی زنان با رادیو است. یکی از ابتکار عمل‌های مهم این کتاب همراه نمودن رادیوی اصلی و اجتماعی در یک جا به عنوان موضوعات مورد مطالعه است که به این ترتیب شباهت‌ها و تفاوت‌های آنها به طور آشکاری هویدا می‌شود.

مباحث و سرفصل‌های کتاب عبارتند از:

فصل اول: روی طول موج یک زن؟، فصل دوم: بلند صحبت کردن، فصل سوم: پخش یک زندگی؛ استخدام در ۳۷ BBC- (۱۹۳۴)، فصل چهارم: هیلدا ماتسون و ۴۰ BBC- (۱۹۲۶)، فصل پنجم: از گپ دوستانه تا تبلیغات رادیو زنان در آلمان (۳۵-۱۹۲۴)، فصل ششم: قدرت ماندگار برنامه "ساعت زن" شبکه ۴ BBC، فصل هفتم: مجموعه امواج رادیویی زنان، فصل هشتم: زنان این کار را می‌کنند... از FM زنان به رادیو ویوا

فصل نهم: موضوعات رادیویی و شنودگان و شکوفایی رادیویی فمینیست، فصل دهم: از "میهمان سرکش" تا "همنشین خوب"، فصل یازدهم: یاور کوچک مادر، فصل دوازدهم: تصدیق بی‌عدالتی، فصل سیزدهم: جنسیت، رویای مصرف‌کنندگی رادیو، فصل چهاردهم: رادیو آزاد زنان گالوی، فصل پانزدهم: صحبت‌های انحصاری، فصل شانزدهم: بر روی آنتن، خارج از آنتن، فصل هفدهم: اشتغال زنان در رادیو، فصل هجدهم: شکوفایی و پیشرفت در کار، فصل نوزدهم: خداحافظی طولانی، فصل بیستم: حضور زنان در صنعت رادیویی غیروابسته ایرلند، فصل بیست و یکم: آخرین سنگر، فصل بیست و دوم: زنان در خبر رادیویی، فصل بیست و سوم: توصیه‌های دقیق برای زنانی که به کار در رادیو تمایل دارند.

به هر حال در ارزیابی اثر باید گفت:

میشل، زنان و رادیو اجتماعی را هسته اصلی این کتاب قرار داده است. در دو فصل از این کتاب، میشل تاریخچه ارزشمندی از ایستگاه‌های رادیویی زنان ارائه نموده و تلاش زنان را برای حفظ فضای مربوط به خود در ایستگاه‌های اجتماعی مورد بحث قرار می‌دهد.

این کتاب نشان می‌دهد که تجزیه و تحلیل تاریخی می‌تواند مفاهیم در حال تغییر رادیو و طرقتی که رادیو را در برخی موارد عملاً به شکل یک جنس‌گرایانه درآورده است، آشکار سازد.

رادیو در روند تکامل چندرسانه‌ای سهیم است. زمانی که رادیو در ردیف ابزارهایی مانند تلفن‌های همراه، دستگاه‌های پاسخگو، کنترل از راه دور و دیگر ابزارهای دیجیتال قرار می‌گیرد باید با حس غربانه‌ای به آن نظر کرد. زمانی که زندگی زنان در حال یک تحول عظیم است، ارتباط بین زنان و رادیو ارتباطی غنی و جاری است. این کتاب شاید نقطه آغاز مباحثه، انتقاد و جلب علاقه در این زمینه باشد.